



Research Paper

Received:
23 October 2022
Revised:
3 January 2023
Accepted:
13 March 2023
Published:
19 March 2023
P.P: 49-62

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Multi-criteria evaluation of the role of the pivotal neighborhood in the crisis management cycle (Case study: Bazarbash neighborhood of Urmia)

Fatemeh Sadat Ghoreishi ¹ | Fereydoon Naghibi ²

Abstract

Today, community-oriented components have a very high place in the field of crisis management, because in the face of various disasters and reducing the damages caused by them, the transition from the traditional paradigm of crisis management, in which the focus is on the physical and structural approach, to the new approach of community-oriented crisis management is necessary. In this approach, special attention has been paid to the social dimensions of people's participation in decision-making and their implementation. Taking advantage of social capital, building local capacity and empowering the community in how to face various disasters are the basic components of this approach. The main goal of the project is to analyze and evaluate the functions of urban neighborhoods in the face of various crises in Urmia city. The current research is descriptive, analytical and applied, and the method of collecting information is library and questionnaire. Quantitative data analysis was done based on AHP model using Expert Choice and ARC GIS software.

The results of the data analysis show that the sub-criteria of participation, central space and building characteristics have the most impact in facing the crisis. According to the final score table of the main criteria, it is concluded that this structure is a good and coherent structure for Bazarbash neighborhood of Urmia.

Keywords: Central neighborhood; crisis management; partnership; social capital; Urmia.

1. Corresponding Author: Master of Urban Planning, Urmia University, Urmia, Iran.
ghoreashi91@gmail.com.
2. Assistant Professor, Urmia University, Urmia, Iran

Cite this Paper: Ghoreishi, F & Naghibi, F (2022). Multi-criteria evaluation of the role of the pivotal neighborhood in the crisis management cycle (Case study: Bazarbash neighborhood of Urmia). *Crisis Management and Emergency Situations*, 15(4), 117–148.



۴

سال چهاردهم
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸
صص: ۱۴۸-۱۱۷

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۲۵۶۴
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۸۵



ارزیابی چند معیاره از نقش محله محوری در چرخه مدیریت بحران (مطالعه موردی: محله بازارباش شهر ارومیه)

فاطمه سادات قریشی^۱ | فریدون نقیبی^۲

چکیده

امروزه مؤلفه‌های اجتماع محور جایگاه بسیار والایی در زمینه مدیریت بحران دارد چرا که در مواجهه با بلایای گوناگون و کاهش خسارات ناشی از آنها، گذر از پارادایم سنتی مدیریت بحران که در آن تمرکز بر رویکرد فیزیکی و ساختاری بوده، به رویکرد نوین مدیریت بحران اجتماع محور صورت گرفته است. در این رویکرد به ابعاد اجتماعی مشارکت مردم در تصمیم سازی و پیاده سازی آنها توجه ویژه ای شده است. بهره گیری از سرمایه‌های اجتماعی، ظرفیت سازی محلی و توانمندسازی اجتماع در چگونگی رویارویی با بلایای مختلف مؤلفه‌های اساسی این رویکرد است. هدف اصلی طرح تحلیل و ارزیابی کارکردهای محلات شهری در مواجهه با بحران های مختلف در شهر ارومیه می باشد. تحقیق حاضر تحلیلی و کاربردی است و روش جمع آوری اطلاعات بصورت کتابخانه ای و از پرسشنامه استفاده شده است. تحلیل و آنالیز کمی اطلاعات بر اساس مدل AHP با استفاده از نرم افزار Expert Choice و GIS صورت گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که زیر معیارهای مشارکت فضایی مرکزی و ویژگی ساختمانی بیشترین تاثیر را در مواجهه با بحران دارند با توجه به جدول امتیاز نهایی معیارهای اصلی نتیجه میشود که این ساختار، ساختاری خوب و منسجم برای محله بازارباش ارومیه می باشد.

کلیدواژه‌ها: محله محوری، مدیریت بحران، مشارکت، سرمایه اجتماعی، ارومیه.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران ghoreashi91@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

استناد: قریشی، فاطمه سادات و نقیبی، فریدون. (۱۴۰۱). ارزیابی چند معیاره از نقش محله محوری در چرخه مدیریت بحران (مطالعه موردی: محله بازارباش شهر ارومیه). فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، ۱۴(۴)، ۱۴۸-۱۱۷.

مقدمه و بیان مسئله

از جمله تهدیدهای بالقوه ای که همواره سلامتی و دارایی افراد جامعه را مورد هدف قرار داده، وقوع حوادث و بلایای طبیعی است. این امر، لزوم توجه ویژه ای انواع ساختارهای دولتی و حکومتی را به نحوه ی طراحی و پیاده سازی نظام های مدیریت بحران نمایان می کند. وقوع بلایای طبیعی و عدم برنامه ریزی مناسب به منظور مواجهه با خسارت ها و پیامدهای ناشی از آن، می تواند منجر به از دست رفتن منابع و دستاوردهایی شود که تحقق مجدد آن سالیان متمادی به طول خواهد انجامید. با گسترش بی رویه شهرها مشارکت و همیاری ساکنان شهر به حداقل رسیده، روابط اعتماد آمیز کمرنگ می شود و درهم ریختگی اجتماعی، فضای مناسبی برای بی هویتی و رفتارهای ناهنجار بوجود می آورد. این امر اثر مستقیم بر رشد و توسعه شهری می گذارد (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۵).

محله محوری مبتنی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی است و با مشخصه هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرایندی به برنامه ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و ارائه طرح ها و برنامه های که ارتباط و وابستگی بیشتری با نیازها و شرایط محیطی و اجتماعی محلی دارد. با گسترش بی رویه شهرها مشارکت و همیاری ساکنان شهر به حداقل رسیده، روابط اعتماد آمیز کمرنگ می شود و در هم ریختگی اجتماعی، فضای مناسبی برای بی هویتی و رفتارهای ناهنجار بوجود می آورد. این امر اثر مستقیم بر رشد و توسعه شهری می گذارد (حاجی پور، ۱۳۸۵). مشارکت از مولفه های مهم در مدیریت شهری است و نتایج مطلوبی بر کارایی اجتماعی دارد. مشارکت پذیری محلی یکی از ظرفیت های با اهمیت اجتماعات انسانی است و به عنوان یکی از نتایج مطلوب سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار می گیرد. محله محوری رویکرد جدیدی در برنامه ریزی است که با هدف گرد هم آوردن گروه های مختلف در گیر یا ذی نفع در برنامه ریزی و توجه به نیازها و خواست های همگانی ایشان در تدوین برنامه ها به حوزه برنامه ریزی وارد شده است (صفری جزه، ۱۳۹۱).

مشارکت مردم محلی در کلیه مراحل مدیریت بحران و بهره گیری از ظرفیت های موجود در محلات به منظور شناسایی مخاطرات و برنامه ریزی برای کاهش آن توسط ساکنان اجتماعات

محلی و تاکید بر لزوم توانمندسازی شهروندان از ویژگی‌های اصلی این رویکرد است (فیروزپور، ۱۳۹۱). شهر ارومیه به عنوان مرکز استان آذربایجان غربی یکی از پرجمعیت ترین شهرهای ایران محسوب می شود. بررسی روند تحول جمعیت شهر در سال‌های اخیر حاکی از آن است که جمعیت شهر ارومیه نیز مانند سایر شهرهای ایران به دلیل افزایش نرخ رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های صورت گرفته از روستاها و سایر نقاط شهری استان در حال افزایش بوده است که این مسأله در طی این دوره به تبع باعث گسترش شهر گردیده است. ساختار کالبدی شهر ارومیه به عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران در سه مرحله شکل گرفته است و هر یک از این مراحل ارتباط تنگاتنگی با سابقه رشد و گسترش شهر دارند. با وجود این مدیریت شهر با تعدد محلات جدید در زمان بحران مشکلاتی را در پی دارد که تنها از پس مدیران شهری برنمی آید. محله محور کردن شهرها برای مشارکت مردم الگویی برای مدیریت و برنامه ریزی شهری است. مسأله‌ای که در اینجا مطرح می شود این است که محله محوری و مشارکت مردم تا چه حد توانسته در مدیریت بحران شهر ارومیه موثر باشد و این که چقدر توانسته است مدیریت بحران را بهبود بخشد که این موضوع بررسی نقش محله محوری در شهر ارومیه در چرخه مدیریت بحران را می طلبد.

در این پژوهش با تأکید بر مفهوم محله محوری و استفاده از پتانسیل‌های محلی در مدیریت بحران در شهر ارومیه، برنامه ریزی موفق در اجرای طرح‌های اجتماع محور و ظرفیت سازی از سوی نهادهای شهری به منظور مدیریت بحران، چارچوبی تحلیلی برای بررسی ابعاد مدیریت بحران بر مبنای محله محوری ارائه شده است. هدف این پژوهش ضمن بررسی نقش محله محوری در شهر ارومیه در چرخه مدیریت بحران، استفاده و بهره گیری از چارچوب‌های نظری این رویکرد در کاهش اثرات ناشی از مخاطرات طبیعی احتمالی در سطح نواحی شهری می باشد.

تعاریف و ادبیات

محله

واحد نزدیک فیزیکی و محل ارتباط اجتماعی است (بلومر^۱، ۱۹۸۵: ۱). آنچه در تمامی تعاریف مطرح شده از محله، به صورت صریح یا ضمنی مورد تاکید قرار گرفته، وجود حس تعلق مکانی و انسجام اجتماعی در میان ساکنان محله هاست؛ بهره گیری این مزیت موجود در محله ها که نقش بسیار مهمی در موفقیت برنامه های مدیریت بحران دارد، در راس الویتهای رویکرد اجتماع محور قرار گرفته است.

محله محوری

برنامه ای است که در اجتماعات کوچک مثل محله با رویکرد و مدل محیطی- اجتماعی با مشارکت ذی نفعان آن اجتماع (ائتلاف های محلی) به منظور کاهش بروز خطرات و از طریق کاهش عوامل خطر و افزایش عوامل محافظ در همان اجتماع انجام می شود.

مدیریت بحران

دانشی کاربردی است که طی آن با مشاهده نظام مند بحران ها و تجزیه و تحلیل آنها، می توان پیشگیری های لازم را انجام داد و در صورت بروز بحران، در خصوص کاهش اثرات، امداد رسانی سریع و بهبود و بازسازی اوضاع اقدام کرد (ناطق الهی، ۱۳۷۸: ۵). همچنین مدیریت بحران به مجموعه ای از مهارت ها یا فرایندهای تحقیقی گفته می شود که در هنگام وقوع مخاطرات غیر متعارف یا وضعیت مشکل به کار گرفته می شود تا تعادل به سیستم بازگردد (لانگمن^۲، ۲۰۱۳: ۳۲۲). بنابراین، مدیریت بحران به مجموعه طرح ها و روش های پیشرفته و خاصی گفته می شود که برای پیشگیری و مهار بحران مورد استفاده قرار می گیرند (نودل^۳، ۱۹۹۸: ۸).

1 Blummer
2 Longman
3 Nudell

مدیریت شهری

مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزا رسمی و غیر رسمی موثر و ذی ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری که اداره و کنترل توسعه همه جانبه و پایدار شهر را عهده دار است. اما اکثر صاحب نظران به این نتیجه رسیده اند که چنین مدیریتی بدون همکاری و مشارکت ذی نفعان اصلی امور شهر (مردم) موفقیت چندانی در اداره امور شهر ها ندارند. در طول نیم قرن گذشته از موارد بسیار مهمی بود که برای حوزه های مختلف علوم اجتماعی جذابیت داشته است. در این بین دانش مدیریت شهری با هدف دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار در شهر نیازمند بالا بردن مشارکت شهروندان در این امر است. (صفری جزه، ۱۳۹۱: ۲).

بحران

هر گونه تغییر ناگهانی در اثر رخ دادن حوادث غیر مترقبه که باعث اختلال در شرایط عادی جامعه شود و نیاز به اقدام ضروری داشته باشد، بحران تلقی می شود. بحرانها از لحاظ عامل وقوع، به طبیعی و انسان ساخت و از نظر وسعت تأثیر و شدت، به محلی، استانی، ملی و فراملی تقسیم می شوند (پورمحمد و هوشمند مرودستی، ۱۳۸۳: ۱۲) همچنین بحران را می توان به منزله لحظه های سخت و مشکل، مانند مواقع خطرناک، رنج آور، پرمشقت، آشفته و پراشوب تلقی کرد. بحران را اخذ تصمیم برای رفع مشکلات مربوط به لحظات مشق تبار نیز تعریف کرده اند (سیگه^۱ و همکاران، ۱۹۹۸: ۲۳۱-۲۷۵).

از آنجا که بحرانهای طبیعی (بلایا) در مقایسه با بحرانهای انسان ساخت، خسارات و تلفات گسترده تری را به بار می آورند و کمتر قابل پیش بینی اند؛ آمادگی مردم و اجتماعات محلی به منظور مواجهه با چنین حوادثی، اهمیت بیشتری می یابد. در نظر گرفتن این اصل که «با توجه به عدم قطعیت فراوان در پیش بینی تأثیرات خاص محیطی، دستیابی به موفقیت در انطباق و سازگاری با محیط از طریق رویکردهای توسعه ای و انعطاف پذیر، ساده تر است» (آلن^۲، ۲۰۰۶: ۸۶) لزوم بهره گیری از ظرفیت ها و توانمندیهای موجود در سطح اجتماعات

1 Seege

2 Allen

محلی و برنامه ریزی و اقدام به منظور آموزش و آماده سازی ساکنان محله های شهری با هدف کاهش خسارات و تلفات ناشی از وقوع بلایای طبیعی احتمالی را مشخص می کند.

بحران های شهری

هرگاه پدیده ای به طور منظم، معمولی و طبق پیش بینی قبلی، جریان نیابد یا حالتی از نابسامانی پدید آید یا نظم مختل شود یا حالتی غیر طبیعی رخ دهد، سخن از بحران به میان می آید از جمله بحرانهای شهری می توان به: زلزله، سیل، زیست محیطی، بحران اجتماعی، شورش مردمی، اعتراضات مردمی، بحران مشارکت، اشاره کرد.

نقش مردم در مدیریت بحران

مشارکت مردم به معنای احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن است که به فعالیت اجتماعی منجر می شود و اهمیت دارد. از این نظر، مشارکت، فرایند سازمان یافته ای است که هر کس در آن به فعالیتی ارادی و داوطلبانه دست می زند. مشارکت مردم در مدیریت بحران نیز از موضوعات مطرح در علم مدیریت بحران است. این مشارکت با هدف بالا بردن توان و قدرت اجرایی دستگاه های موظف در مراحل مدیریت بحران است. همراهی و مشارکت مردم در پیشگیری از بلایای طبیعی ضروری و موثر است. در همه بحران های بارشی، مشارکت شهروندان و همکاری آنان، نقش عمده ای در کاهش آسیب ها و عوارض ایفا می کند. در رعایت الگوی صحیح مدیریت بحران برای مقابله با این بلایای طبیعی، نیاز به هماهنگی دستگاه های مختلف و نیز توجه و همراهی مردم احساس می شود. اگر آموزش های لازم به مردم و مسئولان ارائه شود، گام بزرگی برای اداره بحران برداشته خواهد شد. از جمله این نقشها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

در حوزه زیرساختی سکونت نکردن در سازه هایی که به صورت غیراصولی ساخته شده اند و موارد فنی در آن رعایت نشده است به شهروندان و مدیران شهری کمک مهمی می کند. چنان که رعایت نکردن اصول ساخت کف و بر، که اغلب قربانی منافع شخصی سازندگان می شود، آب گرفتگی ساختمان ها و منازل مسکونی را در پی دارد. این کم توجهی ها علاوه بر خطراتی که برای ساکنان به وجود می آورد، مشکلات زیادی برای شهرداری به همراه دارد.

شهروندان می‌توانند با کمک‌های کوچک و جزئی خود نظیر برداشتن یک تکه زباله یا مانع از مسیر جوی‌ها و انهار، به جاری شدن جریان آب کمک کنند و از آب گرفتگی و بروز خسارات سنگین به شهر و شهروندان جلوگیری کنند. این اقدامات هرچند کوچک می‌تواند در جلوگیری از بحرانهای بزرگ کمک حال مسئولین و ضابطین امر باشد در برخی مواقع بدون همراهی و مشارکت شهروندان به میزان کافی مفید نخواهد بود (مدیرروستا، ۱۳۹۷: ۲۵).

ارتباط مدیریت بحران و برنامه‌ریزی شهری

مدیریت بحران تنها یک مقوله مدیریتی نیست بلکه به شدت تابع ویژگی‌های فیزیکی سکونتگاه‌هاست. برنامه ریزی برای مدیریت بحران نباید تنها یک اقدام تشکیلاتی - عملیاتی محسوب شود بلکه باید به تاثیر طراحی و ساماندهی کالبدی و عملکردی سکونتگاه‌ها در کم و کیف آن توجه داشت. مهمترین بخش از اقدامات مدیریت بحران باید به پیشگیری و وقوع بحران در اثر سوانح طبیعی به مفهوم کاهش خطرات و آسیب پذیرها معطوف گردد. ضمن آنکه توانایی‌های ویژه آمادگی برای مواجهه یا بحران از جمله آموزش عمومی و آموزشهای خاص برای عملیات امداد و نجات باید مدنظر باشد، تشکیل ستادهای ویژه، فراهم آوردن اضطراری مواد غذایی و پناهگاه‌ها و توزیع مناسب آن در سطح شهر، تامین امکان دسترسی سریع به تجهیزات موردنیاز عملیات، برنامه ریزی و پیگیری گردد. عدم وجود برنامه و پیش بینی‌های لازم می‌تواند شرایط بحرانی را دشوارتر سازد. برنامه‌های مذکور نیز باید براساس پیش بینی حالات مختلف از شرایط پس از وقوع بحران دارای انعطاف پذیری بوده و به عبارت دیگر دارای گزینه‌های مختلف باشد (همان: ۱۶۵۵).

برنامه ریزی و طراحی شهری با در نظر گرفتن فرمها و اندازه‌های مناسب شهری، از طریق تاثیر در نیازها یا چگونگی مخاطرات و اقدامات مربوط به هریک از مقاطع زمانی ذکر شده، در بحران ناشی از وقوع سانحه اهمیت ویژه می‌یابد. جلوگیری از آسیب یا کاهش آن، آمادگی و پاسخگویی به عکس العمل‌های اولیه مانند گریز و پناه گرفتن، تامین سرعت، سهولت و کیفیت عملیات امداد اضطراری، ارائه پشتیبانی‌های خدماتی پس از آن، اسکان موقت، بازسازی‌ها، که در مطلوبیت و ایمنی سکونتگاه‌ها مطرح می‌باشد، از جمله نتایج توجه به شرایط بحرانی در طراحی شهری است که بر مقیاس فاجعه، میزان و نوع اقدامات و فعالیت‌های موردنیاز و منابع مالی

و انسانی موثر واقع می گردد. این امر نه تنها بر میزان آسیب کالبدی، بلکه در اختلال عملکردی، تلفات جانی و خسارات اقتصادی تاثیر گذار است. به مدد طراحی و برنامه ریزی شهری می توان حداقل میزان آسیب و افت کارآیی شهر را به اضافه حداقل زمان و اقدامات لازم برای بازگشت به وضعیت عادی انتظار داشت.

طراحی و برنامه ریزی باید به عنوان بخشی از مدیریت بحران در نظر گرفته شده و بخشی از اعتبارات برای این امر تخصیص یافته به این امر در اعتلاء روش های برنامه ریزی و طراحی شهری مصروف گردد شناسایی و ارزیابی آسیب پذیری آنچه موجود است. در کنار چگونگی ایمن سازی آنچه ساخته خواهد شد و در آینده موجود خواهد شد مورد توجه قرار بگیرد. (حمیدی، ۱۳۷۴: ۱۶۶۴).

ارتباط مدیریت بحران با محله محوری

در ابعاد گسترده، محله یک کلان شهر پیشنهاد می شود که کاربری های چند منظوره اجتماعی متفاوتی داشته باشد. وجود کاربری های چند منظوره باعث جمع شدن افراد محله در این مکان می گردند که از این طریق با یکدیگر آشنا می شوند و منشاء انجام کارهایی می گردد که ضمن نشاط در زمان حضور در این مجموعه باعث ارتقاء فرهنگی افراد محله خود نیز می شوند. در کنار انجام این اقدامات اجتماعی به موضوع مهم دیگر محله که مدیریت بحران محله است نیز ورود پیدا می کنند. انواع بحرانهای موجود در محلات بصورت سه شاخص مهم معرفی می گردد:

۱- بحرانهای فوری: (این بحرانها دارای هیچگونه علامت هشداردهنده قبلی نیستند و سازمانها نیز قادر به تحقیق در مورد آنها و نیز برنامه ریزی برای دفع آنها نیستند).

۲- بحرانهای تدریجی: (این بحرانها به آهستگی ایجاد می شوند. می توان آنها را متوقف کرد و یا از طریق اقدامات سازمانی آنها را محدود ساخت).

۳- بحرانهای ادامه دار: (این بحرانها هفته ها، ماهها و یا حتی سالها به طول می انجامند) (ناطقی الهی، ۱۳۷۸: ۷۳).

با استفاده از طراحی شهر با شش عنصر شهری (خیابان ها، ساختمان ها، سیستم ارتباطات و تجهیزات، محل های کار، تفریح و سرگرمی و کاربری های شهری) هم از نظر عملکرد و هم از

نظر زیربنایی که کار اصلی طراحی شهری است می‌توان اثرات بلایا را کاهش داد. راهکارهای مدیریت بحران جهت مقابله با بحران کالبدی در سطح محله به شرح زیر است:

مرحله اول: لحظه وقوع بحران (بعنوان مثال زلزله) که مقیاس زمانی آن در حد ثانیه تا حداکثر دقیقه می‌باشد (موقعیت استقرار سکونتگاه در اراضی نامناسب و لرزه خیز و یا شیب ناپایدار).

مرحله دوم: گریز و پناه و آسیب‌های کالبدی، آسیب‌های تبعی کالبدی هستند که ناشی از آسیب تاسیسات زیربنایی مانند گاز، برق و آب است (مانند آتش سوزی و آب گرفتگی‌ها).

مرحله سوم: عملیات نجات و امداد که از ساعت‌های اولیه شروع و تا هفته‌ها ادامه می‌یابد.

مرحله چهارم: استقرار موقت؛ در این گام اسکان موقت و نیز استقرار کاربری‌های شهری مطرح می‌شود و از روزهای اول تا ماه‌ها بطول می‌انجامد. اسکان افراد بی‌خانمان و نیز استقرار موقت کاربری‌هایی که دچار تخریب و آسیب شده‌اند (عبداللهی، ۱۳۹۴: ۲۹).

مرحله پنجم: مرحله رفع آثار تخریب ناشی از بحران کالبدی بوده و عملیات پاکسازی و بازسازی را شامل می‌شود (ترمیم اولیه زیر ساخت‌های شهری از جمله راه‌ها، لوله‌کشی آب، برق و گاز و نظایر آن).

الگوی محله محور، یک رویکرد مدیریتی پایین به بالا است که به مشارکت مردم در حل بحران‌های ناشی از وقوع سوانح طبیعی توجه دارد. در واقع هدف از آن کاهش آسیب پذیری جوامع و تقویت تواناییها و مشارکت مردم برای مقابله با خطرات ناشی از وقوع سوانح طبیعی و غیر طبیعی است (یادمانی، ۲۰۰۰: ۱) در این رویکرد اجتماعات محلی تاب‌آور به عنوان جوامعی که توانایی عمل و مشارکت دارند در نظر گرفته شوند نه جوامعی که باید به آنها کمک کرد و یا اینکه آنان ناتوان هستند. از این رو، این رویکرد از همکاری اجتماع محلی و مشارکت محلی در فرایند مدیریت سوانح استقبال می‌کند. (بوکله، ۲۰۰۲). مدیریت بحران محله محور، ارزیابی و بازنگری خدمات کاهش خطر که در سطح محلی به وقوع می‌پیوندد را محقق می‌سازند. این مهم پتانسیل بالایی برای مدیریت و مالکیت عمومی پروژه‌های کاهش خطر داشته و حمایت

1 Yodmani

2 Buckle

عمومی از آن ها را محقق می سازد که در نتیجه منجر به ارتقاء امکان پایداری پروژه ها خواهد شد.

به طور کلی باید خاطرنشان کرد که مدیریت بحران محله محور، چهارچوبی برای مشارکت مردم و گروه های آسیب پذیر در مقابل بحران در برنامه ریزی و اجرای اقدامات آن به موازات نهادهای ملی، استانی و محلی فراهم می آورد. (آبرکویز: ۲۰۰۶) در این نگارش کاهش بحران یک هدف است و راهبرد اصلی آن ارتقاء ظرفیتهای و منابع گروه های آسیب پذیر محله و کاهش آسیب پذیری آن ها در مقابله با بحران های آینده می باشد (همان: p14).

مصادیق

بررسی تجربیات پژوهش معمولاً نقدی از دانش موجود درباره موضوع پژوهش است، به نحوی که اگر بررسی تجربیات پژوهش به درستی صورت گیرد به بیان مسئله کمک می کند و یافته های تحقیق را به پژوهش های قبلی متصل می سازد. (حافظنیا، ۱۳۸۸).

دکتر خدارحم بزی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی نقش و تأثیر شورایاران محلی بر افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری محله محور مطالعه ی موردی: شهر گرگان» به مطالعه پرداخته اند. پژوهش حاضر با هدف پی بردن به نقش شورایاران محله ای در برنامه ریزی و مدیریت شهری محله محور به ارزیابی نقش شورایاران محلی در افزایش مشارکت شهروندان شهر گرگان پرداخته است.

مجتبی رفیعیان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «طراحی مدلی برای مطالعه رویکرد مدیریت ریسک بحران اجتماع محور مطالعه موردی طرح دوام (داوطلبین واکنش اضطراری محلات)» به مطالعه پرداخته اند. نتایج نشان می دهد دوام از جمله سیاستهای نوینی است که در چارچوب مدیریت یکپارچه ی بحران در سالهای اخیر با تکیه بر ابعاد شبکه های اجتماعی متناسب با مدیریت بحران اجرا شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که به جز شاخص انسجام در سطح گروه دوام، شاخص های مسئولیت پذیری و نحوه ی مدیریت و

سازماندهی گروه دوام با مؤلفه‌های ادراکی و رفتاری مدیریت ریسک بحران، ارتباط معنادار دارند.

آلن (۲۰۰۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «آمادگی اجتماع محور در برابر بلایا و انطباق با تغییرات آب و هوایی» با تأکید بر این مطلب که مدیریت بحران اجتماع محور راه حلی برای درمان تمامی مشکلات مرتبط با بحران‌های طبیعی و انسان ساخت نیست؛ به بررسی نقاط ضعف و قوت احتمالی این رویکرد پرداخته است. در این مقاله با پرداختن به مسئله آسیب پذیری جوامع، راهکارهای ایجاد ظرفیت در مردم محلی به منظور انطباق با بحران‌های طبیعی و تغییرات جوی و نیز کاهش میزان آسیب پذیری جوامع مورد توجه قرار گرفته است. بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی و در نظر گرفتن پروژه‌های مدیریت بحران اجتماع محور به عنوان بخشی از برنامه‌های بلندمدت توسعه به منظور دستیابی به اثربخشی این پروژه‌ها و نیز توانمندسازی مردم محلی، از جمله تأکیدهای این پژوهش است (آلن: ۲۰۰۶).

پاترسون (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه محله در پاسخ به بحران: الگوی مفهومی»، ضمن بررسی الگوهای موجود، به منظور بهره‌گیری از اجتماعات محلی در مدیریت بحران‌ها و بلایای طبیعی، به بررسی نقش سازمان‌های محلی و شبکه‌های اجتماع محور در مراحل آمادگی قبل از وقوع تا بازسازی پس از وقوع بحران پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش، ضمن تأکید بر نقش سرمایه‌های اجتماعی و لزوم وجود اطمینان و ارتباط متقابل میان دولت و مردم، نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری سازمان‌های محلی، داوطلب و سازمان‌های غیردولتی در فرایند مدیریت بحران در مقایسه با سازمان‌های دولتی بیشتر بوده است (پاترسون: ۲۰۱۰).

یافته‌ها

با توجه به اینکه پژوهش در صدد بررسی نقش محله محوری در شهر ارومیه در چرخه مدیریت بحران می‌باشد، لذا روش تحقیق در این پژوهش بنا به ماهیت موضوع تحقیق، بصورت روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. پژوهشگر در این گونه تحقیقات باید تلاش کند تا آنچه را

Allen
Patterson

«هست» بدون هیچگونه دخل و تصرفی گزارش دهد و نتایج عینی از موفقیت بگیرد (دلاور، ۱۳۸۵: ۵۴). با توجه به اینکه پژوهش ما از نوع کیفی و کاربردی خواهد بود برای تجزیه و تحلیل داده ها از مدل AHP استفاده خواهد شد. در بخش آمار استنباطی (تحلیلی) هدف اصلی را می توان بررسی رابطه ی بین متغیرها و آزمون فرضیات پژوهش عنوان نمود. در این پژوهش از آزمون های مقایسه ی میانگین، همبستگی و رگرسیون برای به منظور توصیف صفات پاسخگویان به پرسشنامه استفاده خواهد گردید. تحلیل اطلاعات و آنالیز کمی اطلاعات بر اساس مدل AHP با استفاده از نرم افزار Expert Choice انجام خواهد گرفت.

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش محله بازارباش شهر ارومیه می باشد که به دو گروه تقسیم خواهند شد، گروه اول را خانوارهای هر محله تشکیل می دهند، گروه دوم شامل کارشناسان سازمان های مرتبط با مدیریت بحران (مراکز خدمات اضطراری) و کارشناسان و متخصصان علمی رشته های مرتبط با موضوع اصلی همچون شهرسازی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری خواهد شد.

روش نمونه گیری

در این فرایند ساکنان هر خانه به عنوان زیرمجموعه ای در محله در نظر گرفته شده و نمونه گیری در هر کدام از خانه ها به طور جداگانه صورت خواهد پذیرفت و نمونه ها از میان مجموعه خانوارهای ساکن در محله انتخاب می شوند. برای محاسبه حجم نمونه در هر محله از روش فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بهره گرفته می شود. با جای گذاری حجم جامعه در رابطه کوکران، حجم نمونه در محله مورد نظر (محله بازارباش) محاسبه می گردد، برای تعیین حجم نمونه گروه دوم، به دلیل محدودیت جامعه آماری کارشناسان، از روش تمام شماری استفاده خواهد شد.

حجم نمونه

حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران برابر با ۱۵۰ نفر انجام گرفت.

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

فرمول کوکران در حالت حجم نمونه معلوم :

$$p=q=1/2 \quad d=0.05 \quad 0.05$$

معرفی محدوده پژوهش

شهر ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی با وسعتی معادل ۸۵۷۷ هکتار در ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی در شمال غرب ایران واقع شده است (طرح و آمایش، ۱۳۸۹) برپایه نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، تعداد جمعیت و خانوار معمولی ساکن در شهر ارومیه به ترتیب بالغ بر ۶۶۱۳۵۰ نفر و ۱۹۵۷۷۹ خانوار بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

معرفی قلمرو پژوهش

شناخت تفصیلی محدوده مورد مطالعه

محلۀ یک از ناحیه یک و منطقۀ چهار شهر ارومیه که به محلۀ بازارباش مشهور می باشد. محلۀ بازارباش با وسعتی معادل ۵۲/۲ هکتار و جمعیتی بالغ بر ۳۸۴۰ نفر معادل ۴/۳ درصد از کل جمعیت منطقۀ چهار را به خود اختصاص داده است از این تعداد ۱۷۶۳ نفر زن و ۲۰۷۷ نفر مرد بوده و نسبت جنسی در منطقۀ معادل ۱/۱۸ برآورد شده است (مرکز آمار ایران).

موقعیت مکانی

محلۀ بازارباش در محدوده جنوب شرقی شهر ارومیه واقع شده است. از شمال به خیابان بعثت و بلوار باکری، از شرق به میدان دفاع مقدس، از جنوب به خیابان جانبازان، از غرب به بلوار باکری منتهی می شود.



شکل (۱-۱) شناخت جانمایی محله بازارباش منبع: Google Earth Pro شهر ارومیه ۲۰۲۰

یافته های پژوهش

بررسی شبکه ساختاری و کالبدی محله بازارباش در عرصه بحران

۱- بررسی وضعیت اسکلت ساختمانهای محله بازارباش

اکثر ساختمانهای محله بازارباش بصورت اسکلت فلزی می باشد که مقدار آن باتوجه به طرح جامع شهر ارومیه ۷۵/۳ درصد می باشد.

۲- بررسی کیفیت ساختمانهای محله بازارباش

کیفیت اکثر ساختمانهای محله بازارباش بصورت قابل قبول می باشد که مقدار آن باتوجه به طرح جامع شهر ارومیه ۷۷/۲ درصد می باشد.

۳- بررسی تعداد طبقات ساختمانهای محله بازارباش

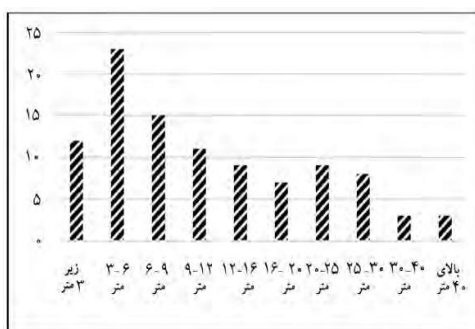
اکثر ساختمانهای محله بازارباش بصورت دو طبقه می باشد که مقدار متوسط تعداد طبقات باتوجه به طرح جامع شهر ارومیه ۲/۲۹ می باشد.

۴- بررسی قدمت ساختمانهای محله بازارباش

اکثر ساختمانهای محله بازارباش قدمتی بین ۱۵ تا ۲۰ سال دارند که مقدار آن باتوجه به طرح جامع شهر ارومیه ۴۲/۳ درصد می باشد.

۵- سلسله مراتب معابر محله بازارباش

به منظور برآورد میزان آسیب پذیری شبکه معابر محله بازارباش ارومیه ابتدا باید سلسله مراتب معابر در محله مورد نظر تعیین شوند. برای تعیین سلسله مراتب، ابتدا عرض تمامی معابر محله مورد مطالعه، محاسبه گردید و سپس معابر، بر اساس عرض آنها در 10 دسته، همانطور که در شکل (۲-۱) مشخص است، طبقه بندی شدند. در ادامه شاخص های انتخابی توسط کارشناسان ارزش گذاری شده اند تا میزان تأثیر هر یک از آنها به صورت جداگانه محاسبه شود.



شکل (۲-۱) نمودار سلسله مراتب شبکه معابر

محله بازارباش

۶- تراکم ساختمانی و مسکونی

رابطه ی تراکم اعم از ساختمانی و جمعیتی با آسیب پذیری مستقیم است به این معنی که با افزایش تراکم، احتمال آسیب پذیری نیز افزایش می یابد. در این مرحله تأثیر تراکم های ساختمانی و جمعیتی در آسیب پذیری شبکه معابر با توجه به نظر کارشناسان محاسبه شد. در پژوهش حاضر به فراخور موضوع، معیارهای تراکم جمعیتی و ساختمانی نیز به پنج زیر معیار طبقه بندی شدند. نقشه ی مربوطه شکل (۳-۱) نشان می دهد که وضعیت معابر از بُعد تراکم در محله بازارباش که اغلب آسیب پذیری کم هستند، که مناطق اسکان غیررسمی را شامل می شود. معابر فضای آموزشی از بعد تراکم عمدتاً دارای آسیب پذیری خیلی کم هستند.



شکل (۳-۱) آسیب پذیری شبکه معابر محله بازارباش از بُعد تراکم

۷- درجه محصوریت

درجه محصوریت عبارت است از نسبت ارتفاع ساختمان واقع در جداره ی معبر به عرض معبر که نشان دهنده ی میزان ریزش آوار ساختمان به معبر و احتمال انسداد آن می باشد. بدیهی است هرچه درجه محصوریت بیشتر باشد آسیب پذیری بیشتر خواهد بود. شکل (۱-۴) درجه محصوریت شبکه معابر محدوده مورد مطالعه را نشان می دهد. با توجه به نقشه ی مربوطه مشخص می شود که درجه محصوریت بالا، در معابر بسیار کم عرض بیشتر به چشم می خورد و این موضوع در محله بازارباش کمتر است. درجه محصوریت همچنین در معابر با عرض نسبتاً متوسط که ساختمان های با ارتفاع زیاد در فاصله ی بلافاصل آنها قرار دارند بالا می باشد. به علاوه درجه محصوریت در مناطقی از محدوده، که ارتفاع ساختمان ها با در نظر گرفتن عرض معبر طراحی شده است و خیابان های عریض، مناسب می باشد. در این زمینه، با وجود مشکلات موجود در مناطق نوساز و به عبارت دیگر مناطقی که در ساخت و ساز آنها، قوانین و مقررات شهرسازی به وسیله ی شهرداری به مورد اجرا گذاشته شده اند، درجه محصوریت دارای شرایط قابل قبول تری خواهد بود.



شکل (۱-۴) درجه محصوریت شبکه معابر محله بازارباش

۸- ویژگی‌های ساختمانی

در این قسمت، زیر معیارهای، معیارهای اصلی با توجه به جدول کدبندی آسیب پذیری مورد ارزیابی قرار گرفتند. (با توجه به اینکه درصد قطعات خالی و فاقد بنا در منطقه ناچیز و قابل اغماض است، بنابراین از احتساب این فضاها بصورت جداگانه چشم پوشی شده، و تمامی فضاهای باز، فضاهای سبز، باغات، پارکینگ، کشاورزی، گورستان و خالی با عنوان فاقد بنا مشخص شده و از نظر آسیب پذیری بسیار کم در نظر گرفته شده اند).



شکل (۱-۵) آسیب پذیری شبکه معابر محله بازارباش از بُعد ویژگی‌های ساختمانی

با توجه به اینکه هریک از این معیارها، خود نیز، با شدتهای متفاوت در آسیب پذیری شبکه معابر تأثیر دارند، از کارشناسان خواسته شد تا در این مرحله نیز معیارها را ارزش گذاری کنند. با توجه به اینکه این معیارها در نهایت باید با ارزیابی چند معیاره همپوشانی شوند میانگین این وزن ها به صورت زیر محاسبه شده است:

جدول (۱-۱) ارزش دهی به زیرمعیارهای ویژگی های ساختمانی

سطح اشغال	کاربری	کیفیت بنا	نوع مصالح	قدمت بنا	میانگین
۰/۶	۰/۳۵	۰/۴	۰/۲	۰/۶	۰/۴۳

۸- آسیب پذیری کلی شبکه معابر منطقه

در نهایت با توجه به این که میزان تأثیر هر یک از معیارهای درجه محصوریت، تراکم و ویژگی های ساختمانی در آسیب پذیری شبکه معابر متفاوت می باشد، این معیارها را نیز ارزش گذاری شد. با توجه به ادامه ی محاسبات مجموع ارزش ها باید برابر با عدد 1 باشد که این ارزش ها در نهایت به این صورت محاسبه شد:

جدول (۲-۱) ارزش دهی به معیارهای آسیب پذیری شبکه معابر

درجه محصوریت	تراکم	ویژگی های ساختمانی
۰/۳	۰/۳	۰/۴

در ادامه با استفاده از روش ارزیابی چند معیاره^۱ با توجه به نقشه ی بدست آمده شکل (۱-۶) مشخص می شود که شبکه معابر محله بازارباش دارای آسیب پذیری کم می باشند، شبکه معابر نواحی مرکزی شامل (محدوده خیابان باکری) دارای آسیب پذیری زیاد و خیلی زیاد و شبکه معابر نواحی شمال شرقی که شامل محلات اسکان غیر رسمی می باشد دارای آسیب پذیری متوسط هستند.



شکل (۱-۶) آسیب پذیری کلی شبکه معابر محله بازارباش

یافته های استنباطی

1- تجزیه و تحلیل (مدل AHP)

فرایند واکاوی سلسله مراتبی یکی از روش های تصمیم گیری است. واژه AHP^۱ به معنی فرایند واکاوی سلسله مراتبی است. انتخاب سنجه ها^۲ بخش اول واکاوی AHP است. سپس براساس سنجه های شناسایی شده معیارها ارزیابی می شوند. علت سلسله مراتبی خواندن این روش آن است که ابتدا باید از اهداف و راهبردهای سازمان در راس معیارها آغاز کرد و با گسترش آنها سنجه ها را شناسایی کرد تا به زیر معیارها برسیم. این روش یکی از روش های پرکاربرد برای رتبه بندی و تعیین اهمیت عوامل است که با استفاده از مقایسات زوجی گزینه ها به اولویت بندی هر یک از معیارها پرداخته می شود.

چنانچه گزینه ها زیاد باشد تشکیل ماتریس مقایسات زوجی کار دشواری است. در مرحله بعد جهت واقعی نمودن ارزش های داه شده وازین برن احتمالی بودن نتایج از مدل فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده گردید. در علم تصمیم گیری که در آن انتخاب یک معیار از بین معیارهای موجود و یا الویت بندی پارامترها مطرح است، چندسالی

^۱ Analytical Hierarchy process

^۲ criteria

است که روش های "تصمیم گیری با شاخص های چندگانه" ^۱ جای خود را باز کرده اند. از این میان روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) بیش از سایر روش ها در علوم مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی منعکس کننده رفتار طبیعی و تفکر انسانی است. این تکنیک، مسائل پیچیده را براساس آثار متقابل آن ها مورد بررسی قرار می دهد و آن ها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن می پردازد.

فرآیند تحلیلی سلسله مراتبی (AHP) روشی برای کمک به تصمیم گیری است و بر اهمیت داوری های شهودی یک تصمیم گیرنده و همچنین ثبات مقایسه گزینه های جایگزین در فرآیند تصمیم گیری تاکید دارد. از آنجا که یک تصمیم گیرنده قضاوت های خود را بر

دانش و تجربه انجام می دهد، بنابراین تصمیم گیری را بر این اساس اتخاذ می کند، رویکرد AHP با رفتار یک تصمیم گیرنده مطابقت دارد. نقطه قوت این رویکرد این است که به طور منظم عوامل ملموس و نامشهود را سازمان می دهد و یک راه حل ساختاری اما نسبتاً ساده برای مسائل تصمیم گیری ارائه می دهد. با توجه به اینکه هدف اصلی ما بررسی نقش محله محوری در شهر ارومیه در چرخه مدیریت بحران می باشد و این امر نیازمند یک فرآیند تصمیم گیری آنی در مقاطع بحرانی می باشد فرآیند تحلیلی سلسله مراتبی (AHP) این قابلیت را دارد که این فرآیند تصمیم گیری را تسریع ببخشد.

مراحل انجام کار در این مدل به شرح زیر است:

براساس روش AHP (فرآیند تحلیل سلسله مراتبی) بایستی به وزن دهی کاربری ها پرداخته شود (قدسی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۸). جهت انجام این کار در قسمت انسان و فعالیت از نظرات اهالی محله بازارباش و در قسمت کالبدی- فضایی، انسان و فعالیت از نظرات ده نفر از کارشناسان و متخصصان علمی رشته های مرتبط با موضوع همچون شهرسازی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری در ارتباط با سازگاری میان تک تک کاربری ها استفاده شده، جهت به دست آوردن حاصل برآیند نظرات کارشناسان رابطه (۱) میانگین هندسی به کار برده می شود:

$$\bar{x} = \sqrt[n]{\prod_i n} = 1 \quad (1): \text{رابطه}$$

براین اساس جدول (۳-۱) حاصل می‌شود.

فضای مرکزی	فعالیتی	کاربری مزاحم	شبکه ارتباطی	زیرساخت‌ها	ناوگان عمومی شهری	نظامی و انتظامی	مراکز خدماتی درمانی	مشارکتی	جمعیتی	ویژگی ساختمانی
۰/۶۳	۹/۰۰	۱/۹۳	۳/۰۰	۷/۰۰	۵/۷۲	۷/۰۰	۳/۸۰	۲/۱۴	۳/۹۴	۱/۰۰
۰/۱۶	۷/۷۴	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۸۸	۰/۲۹	۴/۰۸	۰/۲۴	۰/۳۶	۱/۰۰	۰/۲۵
۰/۳۰	۹/۰۰	۰/۸۰	۰/۵۰	۶/۱۲	۲/۰۵	۵/۷۲	۰/۵۴	۱/۰۰	۲/۷۷	۰/۴۷
۰/۲۲	۸/۱۲	۰/۲۱	۰/۵۰	۵/۸۲	۱/۷۹	۱/۳۵	۱/۰۰	۲/۹۱	۳/۳۱	۰/۲۲
۰/۱۴	۷/۳۶	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۶۵	۰/۲۰	۱/۰۰	۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۱۴
۰/۱۴	۹/۰۰	۱/۰۰	۰/۲۵	۵/۷۲	۱/۰۰	۵/۰۰	۰/۲۹	۰/۴۹	۳/۳۹	۰/۱۷
۰/۱۸	۷/۷۴	۰/۱۶	۰/۱۶	۱/۰۰	۰/۱۷	۱/۵۳	۰/۱۸	۰/۱۶	۱/۱۳	۰/۱۴
۰/۳۳	۹/۰۰	۱/۲۵	۱/۰۰	۶/۲۱	۴/۰۸	۵/۳۹	۱/۱۲	۲/۰۰	۴/۵۷	۰/۳۳
۰/۱۶	۹/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۰	۶/۳۳	۱/۰۰	۵/۲۷	۱/۶۷	۱/۲۵	۵/۷۷	۰/۵۲
۰/۱۱	۱/۰۰	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۱
۱/۰۰	۹/۰۱	۶/۱۹	۳/۰۰	۵/۵۲	۷/۱۴	۷/۱۴	۳/۵۶	۳/۳۷	۶/۱۹	۱/۵۸

جدول (۳-۱) ماتریس برآیند نظرات کارشناسان و اهالی محله بازارباش

جدول (۳-۱) به عنوان جدول پایه مدل AHP در نظر گرفته می شود. در مرحله بعد برای اساس و باتکیه بر قواعد تکنیک AHP، با ترکیب اولویت ها، داده های حاصل وارد نرم افزار Expert Choice گردید.

در واقع وزنی که هر یک از انواع کاربری ها در نرم افزار دریافت کردند، با توجه به اهمیت آن ها در ارتباط با زندگی افراد محدوده و نوع سازگاری این کاربری ها است. در این جا برای اطمینان از نظرات کارشناسان، نرخ سازگاری را محاسبه می کنیم، این محاسبه بر اساس جدول (۳-۱)، بر آیند نظرات کارشناسان صورت می پذیرد. ابتدا λ_{max} را با توجه به روش محاسبه AHP محاسبه می کنیم. بر اساس این جدول مقدار $\lambda_{max} = 11/45$ محاسبه می شود. همچنین با توجه به اینکه از تکنیک AHP به صورت گروهی استفاده کرده ایم (GAHP) فاکتور CI به صورت رابطه (۲) محاسبه می شود:

$$CI = \frac{\lambda_{max} - n}{n} \quad (2)$$

N عبارت است از تعداد عامل های مورد بررسی با توجه به توضیحات بالا CI برابر با ۰/۱۴۵ محاسبه می شود و فاکتور CR جهت تعیین سازگاری و یا ناسازگاری نظرات کارشناسان به صورت رابطه (۳) محاسبه می شود:

$$CR = \frac{CI}{RI} = 0/098 \quad \text{رابطه (۳)}$$

با توجه به اینکه مقدار $CR < 0/1$ است می توان نتیجه گرفت بر آیند نظرات کارشناسان دارای سازگاری است و در نتیجه می توان به وزن های به دست آمده از نظرات کارشناسان اطمینان کرد. اولویت بندی و درجه بندی معیارها و زیر معیارها آسیب پذیری و آسیب رسانی بر اساس مثل تحلیل سلسله مراتبی AHP و با استناد بر اوزان بدست آمده در مطالعات پایه کیفیت شهری (ایمنی و امنیت) محله بازارباش بر اساس نرم افزار Expert Choice به شرح ذیل می باشد:

جدول ۴. معیارهای اصلی و وزن معیارها

وزن معیار	معیارهای اصلی
۰/۴۳۲	کالبدی - فضایی
۰/۳۴۵	انسان و فعالیت

مدیریت و امداد	۰/۲۲۳
----------------	-------

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۵-۱) تعیین ضریب اهمیت زیرمعیارها و وزن هر معیار

وزن معیار	زیر معیار	وزن معیار	زیر معیار	وزن معیار	زیر معیار
۰/۵۳۰	فضای مرکزی	۰/۶۰۶	مشارکتی	۰/۴۲۱	ویژگی ساختمانی
۰/۲۴۴	مراکز درمانی و خدماتی	۰/۳۱۰	جمعیتی	۰/۲۷۷	شبکه ارتباطی
۰/۱۵۹	ناوگان عمومی	۰/۰۸۴	فعالیتی	۰/۲۲۴	کاربری مزاحم
۰/۰۶۷	مراکز نظامی و انتظامی			۰/۰۷۸	زیر ساخت‌ها

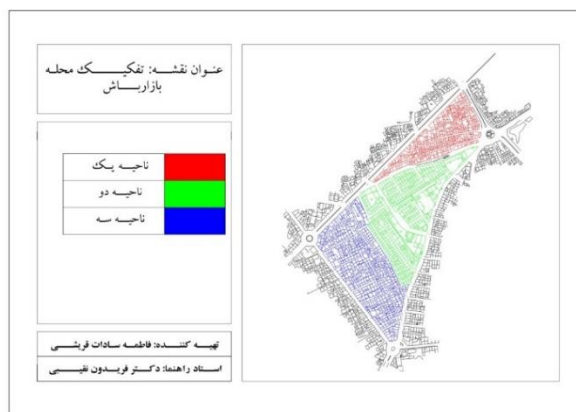
ماخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین اوزان در عوامل تشکیل دهنده هریک از زیرمعیارها به نحوی بوده است که در تحلیل معیارهای آسیب پذیری کالبدی فضایی و انسان و فعالیت پرخطرترین عوامل تشکیل دهنده زیرمعیار، بیشترین وزن و کم خطرترین کمترین وزن، همچنین در معیار امداد و مدیریت بیشترین تاثیر در کاهش خسارات، بیشترین وزن و کمترین تاثیر در کاهش خسارات، کمترین وزن اختصاص داده شده است.

۱-۱- تعیین امتیاز هریک از عوامل زیرمعیارها در نواحی سه گانه در محله بازارباش

ارومیه

طبقه بندی اطلاعات مربوط به زیرمعیارها با استفاده از جداول به تفکیک عوامل تشکیل دهنده در این بخش به تفکیک نواحی سه گانه محله بازار باش صورت پذیرفته است که با توجه به نقشه زیر محله بازارباش را برای سهولت دسترسی به اطلاعات و تحلیل جامع، به سه ناحیه ۱، ۲ و ۳ تفکیک شده است تا به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.



شکل (۱-۷) میزان اهمیت و وزن هر کدام از کاربری ها

توضیحات مربوط به اطلاعات مندرج در جداول:

در مواردی که زیرمعیارها خود به تقسیمات ریزتری تقسیم می شوند، ابتدا به ترتیب اولویت خطرو آسیب پذیری موارد در اوزان بزرگ به کوچک اولویت بندی شده و در محاسبه هر آیتام از ضرب اوزان در امتیاز هریک از موارد، امتیاز زیرمعیار محاسبه می گردد
در مواردی که زیرمعیارها خود به تقسیمات ریزتری تقسیم نمی شوند از میانگین استفاده شده است

در مواردی که تعداد و مساحت زیرمعیارها هر دو لحاظ شده است برای محاسبه امتیاز نهایی، از ضرب امتیاز مساحت در امتیاز تعداد تقسیم بر مجموع عدد کل ضرب درصد، عددی بر مبنای صد حاصل می شود به نحوی که مجموع امتیاز نهایی سه ناحیه برابر صد می شود.

الف: معیار اصلی کالبدی - فضایی

۱- ویژگی ساختمانی

به طور کلی میزان آسیب پذیری نواحی پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۶۰، ناحیه دو عدد ۱۹ و ناحیه سه عدد ۲۱ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه یک بیشترین آسیب پذیری را در این خصوص دارد.

۲- شبکه ارتباطی

به طور کلی میزان آسیب پذیری نواحی پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۴۵، ناحیه دو عدد ۲۲ و ناحیه سه عدد ۳۳ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه یک بیشترین آسیب پذیری را در این خصوص دارد.

۳- کاربری مزاحم

به طور کلی میزان آسیب پذیری نواحی پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۴۸، ناحیه دو عدد ۳۲ و ناحیه سه عدد ۲۰ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه یک بیشترین آسیب پذیری را در این خصوص دارد.

۴- زیرساخت‌ها

این زیر معیار به دلیل عدم وجود اطلاعات از جامعه آماری مورد بررسی حذف گردیده است.
ب: معیار اصلی انسان و فعالیت

۱- ویژگی های مشارکتی

به طور کلی میزان مشارکت نواحی پس از اعمال اوزان مشارکتی به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۱۵، ناحیه دو عدد ۴۳ و ناحیه سه عدد ۴۲ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه دو بیشترین مشارکت را در این خصوص دارد.

۲- ویژگی های جمعیتی

به طور کلی میزان آسیب پذیری نواحی پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۲۷، ناحیه دو عدد ۲۳ و ناحیه سه عدد ۵۰ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه سه بیشترین آسیب پذیری را در این خصوص دارد.

۳- ویژگی های فعالیتی

به طور کلی میزان آسیب پذیری نواحی پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۴۱، ناحیه دو عدد ۱۵ و ناحیه سه عدد ۴۴ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه سه بیشترین آسیب پذیری را در این خصوص دارد.

ج: معیار اصلی مدیریت و امداد

۱- فضای مرکزی

به طور کلی میزان آمادگی امکانات امداد و مدیریت نواحی با ضرب امتیاز تعداد در مساحت با احتساب اعداد برپایه عدد ۱۰۰، برای هریک از نواحی به شرح ذیل حاصل گردید: ناحیه یک برابر ۵۱ ناحیه دو برابر ۴۷ و ناحیه سه برابر ۲ و بدین ترتیب ناحیه یک بیشترین آمادگی را درخصوص حوادث با توجه امکانات امداد و مدیریت، درمنطقه به خود اختصاص داده است.

۲- مراکز درمانی و خدماتی

به طور کلی میزان آمادگی نواحی درمقابل حوادث با توجه به نزدیکی به مراکز درمانی موجود درنواحی پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۲۰، ناحیه دو عدد ۷ و ناحیه سه عدد ۶۳ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه ۳ بیشترین آمادگی را درخصوص حوادث با توجه به امکانات مراکز درمانی، به خود اختصاص داده است.

۳- ناوگان عمومی شهری

به طور کلی میزان آمادگی نواحی درمقابل حوادث پس از اعمال اوزان خطرپذیری به ترتیب برای ناحیه یک عدد ۳۶، ناحیه دو عدد ۴۳ و ناحیه سه عدد ۲۱ حاصل گردید. بدین ترتیب ناحیه دو بیشترین آمادگی را درخصوص حوادث با توجه به ناوگان عمومی موجود به خود اختصاص داده است.

۴- مراکز نظامی و انتظامی

این زیرمعیار به دلیل عدم وجود اطلاعات از جامعه آماری مورد بررسی حذف گردیده است.

۱-۲- تعیین امتیاز هریک از گزینه ها (نواحی) درارتباط با زیرمعیارها

جدول (۱-۶) امتیاز کلی هریک از گزینه ها در زیرمعیارهای کالبدی فضایی

زیرمعیار	وزن معیار	ناحیه	امتیاز	امتیازکلی
ویژگی ساختمانی	۴۲۱٪	یک	۶۰	۲۵

۸	۱۹	دو		
۹	۲۱	سه		
۱۳	۴۵	یک		
۶	۲۲	دو	٪۲۷۷	شبکه ارتباطی
۹	۳۳	سه		
۱۱	۴۸	یک		
۷	۳۲	دو	٪۲۲۴	کاربری مزاحم
۵	۲۰	سه		

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۷-۱) امتیاز کلی هریک از گزینه‌ها در زیرمعیارهای انسان و فعالیت

زیرمعیار	وزن معیار	ناحیه	امتیاز	امتیاز کلی
ویژگی‌های مشارکتی	٪۶۰۶	یک	۱۵	۹
		دو	۴۳	۲۶
		سه	۴۲	۲۶
ویژگی‌های جمعیتی	٪۳۱۰	یک	۲۷	۸
		دو	۲۳	۷
		سه	۵۰	۱۶
ویژگی‌های فعالیتی	٪۰۸۴	یک	۴۱	۳
		دو	۱۵	۱
		سه	۴۴	۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۸-۱) امتیاز کلی هریک از گزینه‌ها در زیرمعیارهای امداد و مدیریت

زیرمعیار	وزن معیار	ناحیه	امتیاز	امتیاز کلی
فضاهای مرکزی	٪۵۳۰	یک	۵۱	۲۷
		دو	۴۷	۲۵
		سه	۲	۱

۵	۲۰	یک	٪۲۴۴	مراکز درمانی دارویی خدماتی
۲	۷	دو		
۱۵	۶۳	سه		
۶	۳۶	یک	٪۱۵۹	ناوگان عمومی
۷	۴۳	دو		
۳	۲۱	سه		

۳-۱- جمع‌بندی و تعیین امتیاز نهایی هریک از معیارها در نواحی سه گانه محله بازارباش ارومیه

جدول (۹-۱) امتیاز کلی هریک از گزینه ها در معیارها

امداد و مدیریت			انسان و فعالیت			کالبدی فضایی			ناحیه
امتیاز*	وزن	امتیاز	امتیاز*	وزن	امتیاز	امتیاز*	وزن	امتیاز	
۸/۵	٪۲۲۳	۳۸	۶/۹	٪۳۴۵	۲۰	۲۱/۲	٪۴۳۲	۴۹	۱
۷/۶		۳۴	۱۱/۷		۳۴	۹/۱		۲۱	۲
۱/۳		۶	۱۵/۹		۴۶	۹/۹		۲۳	۳

ماخذ: یافته های تحقیق

*نتایج حاصل پس از لحاظ نمودن وزن

در معیار کالبدی فضایی، ناحیه یک با ۲۱/۲ امتیاز، خطرناک ترین ناحیه و ناحیه دو با ۹/۱ امتیاز کمترین خطرپذیری را داراست.

در معیار انسان و فعالیت، ناحیه سه با ۱۵/۹ امتیاز، خطرناک ترین ناحیه و ناحیه یک به ۶/۹ امتیاز کمترین خطرپذیری را داراست.

در معیار امداد و مدیریت، ناحیه یک با ۸/۵ امتیاز، بیشترین آمادگی را در برابر حوادث و ناحیه سه با ۱/۳ امتیاز کمترین آمادگی را داراست.

نتیجه گیری

رویکرد محله محوری با مبنا قرار دادن محله ها در مدیریت شهر، آن ها را همچون منابعی پویا در راه ایجاد توسعه، انسجام اجتماعی و هویت بخشی به کار میگیرد. تمرکز بر مقیاس خرد و استفاده از ظرفیتهای محله ها به ویژه در بعد اجتماعی، موجب روشن شدن نقاط ضعف و کشف فرصتهای توسعه محلی است؛ فرایندی که در صورت یکپارچگی و تداوم موجب توسعه شهری خواهد شد. در این راستا نتایج پژوهش نشان داد، علی رغم حس تعلق بالای ساکنین محله بازارباش ارومیه به مکان خود، روابط اجتماعی و همسایگی بین ساکنین از اهمیت بالایی برخوردار است ولی از عملکرد مدیریت محله و شهرداری ناراضی میباشند. بر این اساس در این تحقیق با بررسی محله بازارباش ارومیه و تحلیل آن، به ارائه راهبردهایی در جهت افزایش مشارکت اجتماعی و پایداری محله پرداخته شد. داشتن مرکز محله (مساجد، مدارس و بوستان ها) می تواند به عنوان یک نقطه قوت، ظرفیت های دیگری در حوزه های مذهبی، اجتماعی و اقتصادی برای ساکنان محله به ارمغان آورد. نکته قابل توجه دیگر، دسترسی مناسب ساکنین این محله به شریان های اصلی و فرعی پیرامونی می باشد که امروزه در بحث توسعه محله بسیار مهم جلوه می کند.

مدیریت بحران و نحوه مواجهه با بلایای طبیعی و انسانی یکی از نیازهای عمده بشریت در عصر حاضر می باشد. در این بین نحوه برنامه ریزی و چگونگی مدیریت با بلایای طبیعی به علت پیش بینی ناپذیری بالای آن و وقوع غیر مترقبه آنها از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. در این بین شهرها نیز بستر چالش های متعددی در این راستا می باشند. در پژوهش حاضر سعی شد با انتخاب شاخص های منتخب در راستای مدیریت بحران در برابر بلایا با تأکید بر معابر شهری در محله بازارباش ارومیه به مطالعه و ارزیابی پرداخته شود. بنابراین با توجه به نقش حیاتی شبکه معابر در امداد رسانی و کاهش خسارات جانی و مالی پس از وقوع زلزله در این پژوهش به شناسایی میزان آسیب پذیری شبکه معابر شهری پرداخت شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با توجه به پایین بودن شاخص های شهرسازی در محله بازارباش، وضعیت نابسامان بناها به لحاظ کیفیت بنا، نوع مصالح، قدمت بنا، بالا بودن تراکم های ساختمانی و مسکونی آسیب

پذیری شبکه معابر در محله ی مربوطه متوسط می باشد به نحوی که حدود ۸۶ درصد معابر در وضعیت آسیب پذیری متوسط و ۱۴ درصد بقیه در وضعیت آسیب پذیری زیاد قرار دارند همچنین آسیب پذیری در مناطق قدیمی و در معابر کم عرض، زیاد است.

همچنین نتایج تحلیل AHP و ماتریس برنامه ریزی نشان داد، علی رغم حس تعلق بالای ساکنین محله بازارباش به مکان خود، روابط اجتماعی و همسایگی بین ساکنین کم میباشد و از عملکرد مدیریت محله و شهرداری ناراضی می باشند. بر این اساس در این تحقیق با بررسی محله بازارباش و تحلیل پتانسیل ها و مشکلات آن، به ارائه راهبردهایی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی و پایداری محله در مقابل بحرانها پرداخته شد. استراتژی های ارائه شده در این تحلیل با توجه به اولویت، اطلاع رسانی صحیح و شفاف به شهروندان و تربیت شهروندانی آگاه و مسئولیت پذیر در مسیر مشارکت در مدیریت بحران، واگذاری منابع اصلی درآمدزا و داراییهای محله به نهادهای محلی در قبال خودگردانی فعالیتهای توسعه ای، بهره گیری از ظرفیت های مشارکت مردم در مدیریت بحران بودند.

پیشنهادهای

- اجرای طرح های آموزش همگانی مسائل اجتماعی - فرهنگی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ عمومی و هویت اجتماعی مکانی ساکنان این محله
- اطلاع رسانی صحیح و شفاف به شهروندان و تربیت شهروندانی آگاه و مسئولیت پذیر در مسیر مشارکت در مدیریت بحران
- واگذاری منابع اصلی درآمدزا و دارایی های محله ها به نهادهای گروهی محله در قبال خودگردانی فعالیت های توسعه ای و مدیریتی
- احداث سرای محله به منظور تقویت سرمایه اجتماعی در محله بازارباش
- احداث یک مرکز محله به منظور گسترش تعاملات اجتماعی، سرزندگی ساکنان و ایجاد تعلق خاطر در محله بازارباش
- ساماندهی معابر و پیاده روها به منظور بهبود امداد رسانی در مواقع بحران

- بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده محله در راستای عدالت اجتماعی و کالبدی در جهت کاهش خطرات احتمالی
- توسعه و گسترش فضاهای باز و فضاهای سبز، که از مؤثرترین راه ها برای گسترش فضاهای امن، هنگام زلزله و کاهش آسیب پذیری می باشد.
- توزیع متناسب تراکم های ساختمانی و جمعیتی در سطح شهر به خصوص در بدنه ی معابر محله بازارباش.
- توجه بیشتر به درجه ی محصوریت (ارتفاع ساختمان با توجه به عرض معبر) و تدوین قوانین مناسب

فهرست منابع

- پورمحمد، بهزاد؛ هوشمند مرودستی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، بحران زمین لرزه و مدیریت آن، شماره ۶۸، حاجی پور، خلیل، (۱۳۸۵)، برنامه ریزی محله مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر سمت.
- حمیدی، ملیحه، (۱۳۷۴)، نقش برنامه ریزی و طراحی شهری در کاهش خطرات و مدیریت بحران، طرح بسیج توان فنی کشور در بازسازی مناطق زلزله زده، تهران.
- دلاور، علی، (۱۳۸۵)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد، چاپ دوم، تهران.
- عبداللهی، مجید، (۱۳۹۴)، مدیریت بحران در نواحی شهری، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- فیروزپور، آرمین، (۱۳۹۱)، مطالعه برای بهبود رویکرد محله محور به مدیریت بحران در شهر تهران (مورد مطالعه: زلزله)، پایان نامه کارشناسی ارشد، شهرپور ۱۳۹۱.
- قدسی پور، حسن، (۱۳۸۷)، فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP، چاپ ششم، تهران، دانشگاه صنعتی امیر کبیر
- مدیرروستا، علی، (۱۳۹۷)، مدیریت بحران، فصلنامه علمی پژوهشی، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- ناطق الهی، فریبرز، (۱۳۷۸)، مدیریت بحران زمین لرزه در ایران، تهران: پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله.
- Aberquez, I., Murshed, Z. (2006). Field Practitioners' Handbook. Klong Luang, Pathumthani: Asian Disaster Preparedness Center (ADPC).
- Allen, Katrina (2006). "Community Based Disaster Preparedness and Climate Adaptation: Local Capacity Building in the Philippines", Disasters, 30(1), P.81-101.
- Blummer, M. (1985). The Rejuvenation of Community Studies: Neighbor, Networks and Policy Context, Harcourt Brace Jovanovich, New York.
- Buckle, P. , " New Approaches to Assessing Vulnerability and Resilience", Australian Journal of Emergency Management. Victoria: Emergency Management Australia, 2000, pp. 8-15.
- Longman (2013). Dictionary of Contemporary English British National Corpus.
- Nudell (1998). The Hand Book for Effective Emergency and Crisis anagement, Lexington Books, USA.
- Patterson, Olivia; Fredrick Weil & Kavita Patel (2010). "The Role of Community Disaster Response: Conceptual Models", Springer, 29, P.127-141.
- Seege, M.; W. Sellnow & T.L. Ulmer (1998). "Communication, Organization and Crisis", Communication year book 2.
- Yodmani, S. (2000). Disaster Risk Management and Vulnerability Reduction: Protecting the Poor. Paper Presented at the Asia and Pacific Forum on Poverty Organized by the Asian Development Bank.

